

هزینه در مالیه عمومی اسلامی

دکتر بیژن بیدآباد (@msn.com)

چکیده

هزینه‌های بخش عمومی، نیمی از جریان مالیه است. در این مقاله، تلاش ما بر این است که موارد هزینه حکومت اسلامی را بررسی نماییم. بنابراین، نگاهی خواهیم داشت به موارد هزینه و تخصیص منابع که نحوه دخالت دولت را در اقتصاد مشخص و سرفصل‌های امور هزینه را تعریف نماید. امور مختلف سیاسی، نظامی، اداری، تقنینی، اجرایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی، بهداشتی، تأمین، بازرسی و نظارت، عمرانی، برنامه‌ریزی، امنیتی، تعزیری و تنبیهی در این فصول می‌گنجند. دولت اسلام محق نیست که درآمدهایش را به هر طریق که مایل است، هزینه نماید، لذا بر بررسی اصول مالیه و هزینه در بودجه دولت اسلامی نیز می‌پردازیم. دولت اسلام از لحاظ دخالت در امور اقتصادی و اندازه دولت کاملاً منعطف است و در زمانی کاملاً کم‌اثر و با طیف کم و در زمان موردنیاز، کاملاً موثر و با طیف وسیع عمل می‌نماید و این بسته به نیاز زمان و مکان در مداخله در امور طبق شریعت اسلام است.

از اصول هزینه در بودجه دولت اسلام، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که در ارتباط با تک‌تک آنها به بحث می‌پردازیم: عدم‌جواز حق انتفاع مدیر از ابزار اداری برای نفع شخصی، تشکیلات مالیه برای رفع نیاز مردم، تخصیص هزینه‌های آموزشی مختص به موارد خاص، عدم‌جواز هزینه‌های دستمزد در انذار، ارشاد، هدایت و تبلیغ، عدم‌جواز شارع مقدس (ص) به تخصیص هزینه به سادات، تقریر هزینه‌های تأمین اجتماعی، محدودیت سیاست‌های توزیع مجدد به موارد تأمین، منحصربودن هزینه دولت به واجبات، ممنوعیت صرف هزینه در معاملات حرام، محدودیت هزینه‌های انتخابات، وجوب تأمین هزینه‌های زندان و تعزیرشدگان، مناط توافق عمومی در تأمین مالی هزینه کالاهای عمومی، محدودیت سیاست‌های تنظیم بازار به نظارت بر سلامت معاملات، محدودیت هزینه‌های قاضی و والی و بازرس، محدودیت هزینه‌های تجسس و استخبارات، وضع هزینه‌های جهاد و دفاع بر مردم، ممنوعیت اعطای امتیاز و رانت، خرید اموال عمومی براساس قیمت‌گذاری بازار، وظیفه دولت در قضای دیات و خسارات و دیون مجهول‌المدعی علیه، انضباط مالی خزانه.

مقدمه

مبحث هزینه‌های بخش عمومی، یکی از بخش‌های مهم مالیه است و نیمی از جریان مالیه را به خود اختصاص می‌دهد. قبلاً درباره درآمدهای اسلامی مشروحاً صحبت شده است^(۱). در اینجا تلاش ما بر این است که موارد مصرف و هزینه درآمدهای عاید برای حکومت اسلامی را بررسی نماییم.

علی‌القاعده هزینه‌های یک حکومت شامل دو بخش عمده تخصیص منابع مالی می‌شود و بخش تخصیص به امور عمومی و دیگری تخصیص به امور افراد، دو بخش عمده در هزینه‌ها می‌باشند. در بخش امور عمومی، وظیفه دولت، صرف هزینه‌ها در محل‌هایی است که عموم جامعه از آن بهره‌مند خواهند شد، ولی در امور فردی، هزینه‌ها به افراد خاص یا گروه‌های خاص برای رفع احتیاجات خاص تخصیص داده می‌شود. هزینه‌های مصروف در امور عمومی، در جهت رفع مایحتاج عموم بدون توجه به

انتفاع خاص افراد (فرداً فرد) از هزینه‌های به‌عمل‌آمده است، در صورتی که در تخصیص منابع به امور افراد، هدف‌گذاری تغییر وضعیت یک واحد اجتماعی در جهت مطلوب می‌باشد.

دولت اسلام محق نیست که درآمدهایش را به هر طریق که مایل است، هزینه کند.

به جای ورود به مباحث این دو نوع هزینه، بهتر است که به وظایف اصلی دولت اسلام نظری بیندازیم. این وظایف خود مبتنی بر اصولی هستند که نحوه دخالت دولت را در اقتصاد مشخص می‌نمایند. این اصول در حقیقت وظایف و مکانیزم‌های اصلی مداخلات دولت در جامعه را مشخص می‌نمایند. این مداخلات خود همان مواردی است که می‌تواند سرفصل‌های امور هزینه را تعریف نماید.

امور زیر از جمله مبانی دخالت دولت در مسایل مختلف سیاسی، نظامی، اداری، تقنینی، اجرایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی، بهداشتی، تأمین، بازرسی و نظارت، عمرانی، برنامه‌ریزی، امنیتی، تعزیری و تنبیهی و سایر موارد است:

□ امور سیاسی، شامل کلیه امور مربوط به نحوه حکومت و استقرار آن می‌باشد و دو بخش مسایل سیاسی داخلی و خارجی را دربرمی‌گیرد. در این ارتباط حکومت اسلام برای تصدی امور حکومتی که به عهده گرفته است، موظف به انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که اداره امور حکومت را شامل می‌شود. این امور از لحاظ واژه‌شناسی متعارف روز به عنوان مباحث اداره امور دولتی نامیده می‌شوند.

□ امور اقتصادی و برنامه‌ریزی، مشتمل بر نظام درآمدها و هزینه‌ها در بودجه و برنامه‌های مختلف تنظیم‌شده، با توجه به دیدگاه‌های اجرایی روش‌های برنامه‌ریزی و مالی است.

□ امور تقنینی، شامل کلیه فعالیت‌های قانونگذاری می‌باشد.

□ امور نظامی، شامل کلیه فعالیت‌های مربوط به دفاع، آمادگی نظامی و مقابله با تجاوزات خارجی و جهاد (در زمان ظهور) است.

□ امور اجرایی، شامل کلیه فعالیت‌های اجرایی است که زمینه‌های مختلف عمرانی، بهداشتی، تربیتی، آموزشی، فرهنگی را دربرمی‌گیرد.

□ امور قضایی، مشتمل بر امور قضایی و حقوقی و همچنین بازرسی و نظارت است.

□ امور اجتماعی، مشتمل بر امور حفاظتی و تامین اجتماعی است که دولت اسلام را موظف می‌نماید تا پدران تمام اتباع مملکت - اعم از انسان‌ها و وحوش و نباتات - را تحت پوشش حمایتی خود مصون بدارد.

در هر کدام از اصول فوق، نحوه انجام فعالیت‌های حکومت اسلامی در محدوده‌ای قابل تمییز تعریف می‌شود. براساس این حیطه تعریف شده نیز هزینه‌های دولت از محل درآمدهای اخذ شده از منابع مختلف قابل انجام است. این حیطه‌ها اساس و مبنای مخارج عمومی را مشخص می‌کنند و لذا لازم است که در مورد لاقبل کلیات آنها به بحث بیشتری بپردازیم. علی‌القاعده دولت اسلام مجاز به هرگونه دخالت در امور فردی یا اجتماعی نیست و میزان آزادی‌های اعطاشده در اسلام آنقدر زیاد است که برخی بر این شده‌اند که در اسلام افراد تا مرز تجاهر به فسق در امور فردی خود آزادند.

مبحث مهم در این موضوع این است که دولت اسلام محق نیست که درآمدهایش را به هر طریق که مایل است، هزینه نماید. به عبارت دیگر، هزینه کردن از بیت‌المال فقط طبق قواعد خاصی مجاز است. مصوبات دولتی و یا تقنینی متداول امروزه اجازه استفاده از منابع بیت‌المال را جهت صرف هزینه‌های مختلف نمی‌تواند مشروعیت بخشد. به عبارت دیگر، نمی‌توان حتی براساس احکام ثانویه، موردی جز اضطرار را برای صرف هزینه از قلمرو احکام اولیه مستثنا نمود.

اصولاً نظام حکومتی اسلامی زمانی متحقق می‌شود که قائم آل محمد(ص) بر اریکه حکومت قرار گیرد و در غیر این صورت، حکومت به نام اسلام خواهد بود و حکام و مردم با اجرای احکام و حدود اسلامی بر این تلاشند تا جامعه را مهیای ظهور حضرتش

نمایند. در ایران نیز حکومت از نوع دوم است و همه ما بر این تلاشیم تا با اجرای قواعد شرعی، زمینه‌ساز ظهور باشیم. بر این اساس است که باید در ایران قواعد عملکرد دولت را موافق زمان ظهور نمود، یعنی زمانی که اولیا یا اوصیای الهی در مصدر این حکومت قرار بگیرند. با توجه به این مساله لازم است اصولی را که برای اداره اقتصادی دولت اسلام لازم‌الاجرا است، برشمریم تا در قدم بعدی بتوان قوانین و مقررات مالیه عمومی کشور را بر این اساس تنظیم نمود. لذا در این راستا برای آشنایی بیشتر با اصول هزینه‌ای در اسلام، به بررسی اصول هزینه در بودجه دولت اسلامی می‌پردازیم و در اینجا تاکید بر اصولی می‌نماییم که نمود بیشتری در شرایط اقتصاد ایران دارند.

میزان آزادی‌های اعطاشده در اسلام آنقدر زیاد است که گویی افراد در امور فردی تا مرز تجاهر به فسق آزادند.

اصول هزینه در بودجه دولت اسلام

همانطور که ذکر آن رفت، دولت اسلامی مجاز نیست که طبق نظر خود در نحوه هزینه از حدود خاصی پافرا تر گذارد. این حدود در برخی موارد به شدت محدودکننده است و در برخی موارد تا حدودی دولت را مجاز به اعمال سلیقه می‌نماید. بسیاری از این مسایل در شیوه‌های مدیریتی روز جهان نیز مطرح است. یکی از این نگرش‌ها و شیوه‌ها مبحث جدید و نو ظهور حاکمیت شرکت^(۲) است که استانداردهای خاصی را در مدیریت جدید شرکت‌ها مطرح می‌سازد. کادبوری (Sir Adrian Cadbury) که این نظریه را در اواخر قرن بیستم مطرح می‌سازد، مبحث مدیریت خاصی را در رفتار مدیران مطرح می‌کند که طبق آن، وظیفه مدیر همانا حفظ منافع صاحبان سهام و مالکان و سرمایه‌گذاران شرکت است. این دیدگاه که در قرن بیست و یکم به عنوان یکی از اساسی‌ترین نظام‌های مدیریتی مطرح است، تا آنجا پیش رفته که در حال حاضر، استانداردهایی نیز در کشورهای صنعتی برای آن ابداع شده است^(۳).

در حکومت اسلامی نیز مشابه این هدف‌گذاری سیاستی برای مدیر مشاهده می‌شود، ولی مدیریت حکومت اسلامی وظیفه حداکثرکردن سود یا منافع مادی ملت خود را ندارد، بلکه وظیفه مدیریت حکومت

اسلامی اعتلای اسلام و بشریت است. چهارچوب این نوع مدیریت در فقه اسلام مشخص شده و ریز احکام آن نیز در همه زمینه‌های زندگی گسترده است.

گاه این شبهه پیش می‌آید که حکومت اسلامی می‌تواند با استناد و استخراج احکام ثانویه، زمینه‌های دخالت در امور جامعه را تا حد نیاز بیشتر نماید، اما باید ابراز داشت که این مساله نیز دارای محدودیت است و فقط در شرایط اضطرار چنین تصمیماتی نافذ است. منظور از اضطرار هم شرایطی است که به دلایل تعریف نشده، روند زندگی و حیات مردم دچار مخاطره شود. در اسلام در شرایط اضطرار تسهیل در قطعیت احکام پذیرفته شده است^(۴). این تسهیل در اصل کاستن از حدود حق الله و افزودن بر حق الناس است. به عبارت دیگر، اگر در شرایطی حیات انبای بشر مستلزم نقض حدود حق الله است، خداوند مجاز فرموده که با حداقل نقض حدود الهی، اقدام به حفظ حیات انسان‌ها شود. این انعطاف‌پذیری از آیاتی که در مورد ماکولات نازل شده، قابل استنباط است. البته در این موارد، رعایت نیت عدم تخطی و از حدنگذراندن نیز مضاف بر علت اصلی اضطرار همراه خواهد بود. در سوره بقره می‌فرماید: *فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ*^(۵). در سوره مائده هم می‌فرماید: *فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ*^(۶). گرچه این مخمصه به معنی قطعی و گرسنگی است، ولی استعمال آن در موارد مشابه نیز قابل تفسیر و تأویل می‌باشد. در آیه دیگری می‌فرماید: *وَ قَدْ فَضَّلْنَا لَكُمْ مَا حَرَّمْنَا عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُررْتُمْ إِلَيْهِ*^(۷). به عبارت دیگر، اگر در مواردی سختی و مشقت غیر متعارف در عمل به تکلیف یا حکمی وجود داشته باشد، آن تکلیف و حکم تا رفع موانع سختی ساقط می‌شود^(۸). در نتیجه، دولت اسلام در موارد خاصی مجاز به انجام هزینه‌های اضافی مازاد بر موارد مذکور در فصول مجاز هزینه می‌باشد.

عدم جواز حق انتفاع مدیر از ابزار اداری برای نفع شخصی

در بسیاری از موارد دیده می‌شود که مدیران در دستگاه‌های مختلف حتی با استناد به مستندات قانونی، از منازل سازمانی، اتومبیل اداری، تلفن، کامپیوتر، خدمه، کارمند و سایر امکانات دولت بهره‌مند می‌شوند. در اسلام برای اینچنین استفاده‌هایی مجوزی دیده نشده است. حکایت معروف استفاده

حضرت داود(ع) از بیت‌المال و مورد عتاب قرار گرفتن حضرت مشهور است و این حکایت به تواتر ذکر شده است^(۹).

در زمان خلافت صوری علی(ع) هم متواتراً روایت شده است که آن حضرت برای انجام امور مربوط به مراجعات شخصی خود چراغ پیه‌سوز را که با روغن بیت‌المال روشن بود، خاموش می‌کرد و پس از مراجعت به امور دولتی، مجدداً پیه‌سوز را روشن می‌نمود^(۱۰). در همین موضوع مروی است که عقیل برادر حضرتش بود که در این باب استرحام نمود. حضرتش آهن سرخ بر کف دست وی نهادند و وی را از آتش دوزخ که به علت استفاده شخصی (یا قومی) از بیت‌المال شعله‌ور می‌شود، انذار فرمودند^(۱۱).

منقول است که در رابطه با حیف و میل بیت‌المال در زمان حکومت عثمان چنین فرموده‌اند: «یخضمون مال الله خضم الابل نیتة الربیع»^(۱۳).

تشکیلات مالیه برای رفع نیاز مردم

گرچه این عنوان بیانی افراطی با هدف اخذ مالیات است، ولی اصولاً نیز هدف از اخذ مالیات باید رفاه حال ناتوانان و نیازمندان باشد. این موضوع از لحاظ کلی باعث می‌شود که هزینه‌ها در طبقه‌های مختلفی سطر بندی شوند و بر اساس هر کدام از این سطور، مالیات خاصی اخذ و هزینه شود. اصولاً در مالیه اسلامی بسیاری از موارد هزینه از قبل محل مصرفشان مشخص است و این موارد مصرف برای



② آموزش ابتدایی به مفهوم تعلیم خواندن و نوشتن، از وظایف دولت اسلامی است و باید در این راه صرف هزینه نماید.

درآمدهای مختلف تعاریف مشخص و قابل استفاده‌ای نیز از لحاظ اجرایی دارند. برای توضیح این موضوع به فرمایش حضرت امیر المومنین علی(ع) در فرمان به مالک اشتر رجوع می‌نماییم. می‌فرماید: «راستی، وقتی که در کشوری نیازمندان و درویشان کمتر اوفتند و بازار زندگی رونقی دارد، حاجتی به تشکیلات مالیه نیست. ما مالیات را برای مردم می‌خواهیم. ما خراج را می‌گیریم که به ارباب حاجت و بیچارگان برسانیم. آن موقع که همه ثروتمند و توانگر باشند، چه نیازی به دریافت خراج خواهیم داشت. در آن وقت مطمئنم که

در نامه حضرتش به اشعث بن قیس، عامل آذربایجان نیز آمده است که مرقوم فرمود: «کاری که به عهده توست، نانخورش تو نیست، بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذاشته. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی، و به دستوری به کاری دشوار در آیی. در دست تو مالی از مال‌های خداست عزوجل، و تو آن را خزانه‌داری، تا آن را به من بسیاری. امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم. والسلام»^(۱۲).

همینطور در ارتباط با این موضوع از حضرتش

سراسر کشور خزانه و همه جا صندوق معتبر و آبرومند دولت ماست^(۱۴)» برداشت‌هایی که از این فرمایشات می‌توان داشت، عملاً ما را به سمت این منزل رهنمون می‌کند که مالیه دولت اسلام، کاملاً هدفمند و بر مبنای وظیفه (Task - oriented) تشکیل می‌شود، یعنی هرگاه نیاز به پرداخت به مستمندان است، تشکیلات مالیه، هم از لحاظ تعداد عاملان و هم از لحاظ میزان مالیات، وسعت می‌یابد و هر وقت که این وظیفه تمام شد، مجدداً کوچک می‌شود و به میزان قبل برمی‌گردد. از لحاظ نظریات مدیریت و سازمان، این نوع سازمان‌ها منعطف تعریف می‌شوند و از لحاظ تعداد پرسنل نیز زمانی که وظایف آنها سنگین است، پرسنل زیادی را به کار می‌بندند و پس از رسیدن به هدف، مجدداً به سازمان کوچکی با پرسنل و وظایف کم تبدیل می‌شوند. این نوع سازمان‌ها از لحاظ کارایی بسیار کارآمدتر از سازمان‌هایی هستند که همواره از وسعت سازمانی بزرگ برخوردارند.

در ادامه این بحث بایست گفت که چنانچه به این شکل دولت را از لحاظ مالی ترسیم کنیم، باید بگوییم که اولاً، بودجه باید به روش بودجه‌ریزی بر مبنای صفر تنظیم شود، یعنی عملکرد مالی دولت باید نه کسری و نه مازاد بودجه داشته باشد. از سوی دیگر، این موضوع ما را به عملکرد خنثی در سیاست‌های مالی می‌رساند. عملکرد خنثی در سیاست‌های مالی دولت به معنی حداقل اثر درآمد و هزینه دولت بر رفتار اقتصادی مردم تعریف می‌شود، یعنی دولت چون به دلیل طبیعت خاص خود و فقدان انگیزه‌های سود در آن، معمولاً از کارایی و کارآمدی اقتصادی کمتری نسبت به بخش خصوصی برخوردار است، لذا دولت هر چه کوچکتر باشد و منابع مالی کمتری را به خود اختصاص دهد، کمتر از بازدهی منابع اقتصاد می‌کاهد. در اصطلاحات اقتصاد کلان به این مبحث «اثر ازدحام» (Crowding out Effect) گفته می‌شود، یعنی با ازدحام فعالیت‌های دولت در اقتصاد، از فعالیت‌های بخش خصوصی کاسته می‌شود. از طرف دیگر، هزینه‌های دولت که اثر آن بر رشد اقتصاد کمتر از هزینه‌های

مدیریت حکومت اسلامی، وظیفه
حداکثر کردن سود یا منافع مادی ملت خود
را ندارد، بلکه وظیفه‌اش اعتلای اسلام و
بشریت است.

نفر از انصار را به سواد آموزش دهند، آزاد خواهند شد^(۲۶).

تعمیم آموزش اولیه بند قبل به آموزش‌های متوسط و عالی و تخصصی و پرداخت هزینه آنها توسط دولت جای بحث دارد، زیرا می‌توان گفت که براساس بررسی تاریخیچه صدر اسلام، عملکرد دولت اسلامی در زمان خلافت حضرت رسول اکرم(ص) به صورتی بود که در همه مسایل وارد نمی‌شد و در همه امور مسلمانان و جامعه مداخله نمی‌فرمود و بسیاری از فعالیت‌ها را در امور مباحه طبقه‌بندی و رها نمود. اتخاذ این روش به این معنی بود که دولت اسلام با تحمیل بار مالی بر دوش افراد جامعه، اقدام به فشار برای توسعه بیش از حد اقتصاد کشور نمی‌نمود. به عبارت دیگر، هر عمل سیاستگذاری منجر به بار مالی خواهد شد و این بار مالی بر دوش افراد جامعه خواهد بود. حال سوال این است که آیا می‌توان هر مصلحتی را سیاستگذاری نمود و بار مالی آن را بر دوش افراد جامعه قرار داد؟ از روح تعلیمات اسلام چنین چیزی را نمی‌توان استخراج نمود. بار مالی اجباری در آن حد می‌تواند باشد که موارد اصلی مصرف صدقات را بپوشاند، یعنی تامین حداقل معیشت زندگی برای افراد جامعه از وظایف دولت اسلام است و بار مالی آن به نسبت درآمد افراد جامعه بر دوش آنان تحمیل می‌شود، ولی بیش از این الزامی در فقه دیده نشده است که بتوان برای توسعه و رشدی بالاتر از این، اجباری و تحمیل مالی بر دیگران نمود، منتها باید گفت که توافق افراد جامعه خود می‌تواند راه جدیدی را برای این حرکت باز کند، یعنی افراد جامعه با توافق و داوطلبانه به صورت مجتمعاً یا منفرداً می‌توانند براساس نوعی قانون، به این عمل، یعنی اخذ مالیات و صرف آن در توسعه بیش از حداقل معیشت افراد جامعه مشروعیت بخشند.

در قرآن کریم آیات زیادی دلالت بر وجوب زکات دارد، ولی بیش از حد تعریف زکات در مورد پرداختن صدقات، آیات متعددی فقط به صورت انذار یا بشارت نازل شده که به استحباب مؤکد آن را بیان فرموده،

■ ■ ■

از روح تعلیمات اسلام چنین استخراج نمی‌شود که بتوان هر مصلحتی را سیاستگذاری نمود و بار مالی آن را بر دوش افراد جامعه قرار داد.

■ ■ ■

تحریک می‌فرمودند. از لحاظ اقتصاد کلان بالاخص از دیدگاه کینز و کینزین‌ها، هرگاه سیاست‌های پولی توان بیرون آوردن اقتصاد را از رکود نداشته باشد و مسایلی چون تسه نئقدینگی (Liquidity Trap) یا عدم‌هماهنگی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در اقتصاد رخ داده باشد، تنها سیاست‌های مالی از طریق افزایش هزینه دولت می‌تواند اقتصاد را به سوی رونق تحریک نماید. این مبحث از عمده‌ترین مباحثی است که جان مینارد کینز در کتاب معروف "نظریه عمومی بهره، پول و اشتغال"^(۲۱) مطرح می‌سازد که مهمترین راه‌حل دفع بزرگترین بحران اقتصادی بشر در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۲۹ بود.

تخصیص هزینه‌های آموزشی مختص به موارد خاص

با این که در اسلام به تحصیل علم اهمیت زیاد داده شده است، ولی در استفاده تام و تمام از منابع عمومی در آموزش افراد تصریحاتی که حجیت داشته باشد، در قرآن و احادیث و اخبار و روایات ملاحظه نمی‌شود. با توجه به گونه‌های مختلف آموزش می‌توان تمییز زیر را در آموزش‌هایی که توسط دولت اسلام مشمول صرف هزینه دولتی و استفاده از منابع دولت می‌باشد، قایل شد.

■ آموزش ابتدایی به مفهوم تعلیم خواندن و نوشتن، از وظایف دولت اسلامی است و باید در این راه صرف هزینه نماید. در این باب، مواردی از احادیث و اخبار نیز روایت شده که نشان می‌دهد در صدر اسلام نیز رسول اکرم(ص) با تاسیس مدرسه‌ای به نام "دارالقرآن" تعلیم خواندن و نوشتن را برای عموم تسهیل فرموده بودند^(۲۲). گرچه خود حضرت(ص) سواد نداشت که فرمود: «وَمَا كُنْتُ تَلَوًا مِنْ قَبْلِهِ مَنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُ بِبَيْمِينِكَ»^(۲۳) و أعلم علما بود، یعنی علم با سواد متفاوت است و علم از مجرای دیگری جدا از مدرسه و کتاب و درس قابل دریافت است، که فرمود: لیس العلم بالتعلم إنما هو نور یقع فی قلب من یریدالله^(۲۴).

آموزش ابتدایی، مقدمات اولیه تحصیل سواد است و این مقدمه از مواردی است که می‌توان برای آن در دولت اسلامی هزینه‌ای تخصیص داد^(۲۵). در این ارتباط همچنین می‌توان به فرمایش رسول گرامی(ص) اشاره نمود که پس از جنگ بدر شرط فرمود که اگر اسیران جنگی که باسواد بودند، هرکدام ده

بخش خصوصی است، از محل منابع درآمدی بخش خصوصی یا سایر منابع تامین مالی اخذ می‌شود. لذا از یک طرف، اثرات کاهنده رفاه را در سمت اخذ مالیات برجای می‌گذارد و از طرف دیگر، اثر کاستن از کارآمدی سرمایه‌گذاری یا هزینه را بر اقتصاد تحمیل می‌نماید. لذا بر همین اساس است که تشکیلات مالی و سیاست‌های مالی فقط به اندازه تامین شرایط لازم و حداقل برای افراد ضعیف جامعه و موارد و مصالحی که شارع در مدنظر قرار داده، کفایت می‌کند و بیش از آن مصلحت دیده نشده است، همانطور که علی(ع) فرمود و ذکر آن رفت. و در جای دیگر نیز درباره عثمان می‌فرماید: لقد علمتم أني أحق بها من غيري والله لأسلمن ما سلمت أمور المسلمين، زیرا مردم به عثمان روی آورده بودند و حضرتش ضمن معرفی خود به عنوان مستحق‌ترین فرد برای خلافت، می‌فرماید: به خدا سوگند که اگر امور مسلمانان در سلامت باشد، من تسلیم خواهم بود^(۱۵)، یعنی هدف، سلامت امور مسلمانان است و اگر حکومتی و در رأس آن عثمان به آن بپردازد و رفع نیاز نماید، نیاز به حکومت ظاهری من نیست^(۱۶).

هدف از اخذ مالیات باید رفاه حال ناتوانان و نیازمندان باشد.

از موارد دیگر در این ارتباط این است که برخی تا آن حد پیش می‌روند که معتقدند باید پس از پرداخت‌های لازم در مورد تامین هزینه‌های الزامی که موارد آن مذکور است، مازاد موجودی خزانه یا بیت‌المال بین مردم توزیع شود. در این ارتباط به سیره پیامبر اکرم(ص) اشاره می‌نمایند که حضرتش پس از جهاد، بخشی از غنایم را خود شخصاً برای امور موردنظر توزیع می‌فرمود و باقی را بین نیروی نظامی خودش توزیع می‌فرمود^(۱۷). گرچه این توزیع پس از جهاد صورت می‌گرفته است، ولی در زمان حکومت امیرمومنان علی(ع) نیز مرعی بوده است^(۱۸). مروی است که حضرتش تمام جمعه‌ها کل بیت‌المال را توزیع می‌فرمود و آن را می‌شست و پاک می‌کرد و در آن نماز به پای می‌داشت^(۱۹) و می‌فرمود که هرگز مال مسلمانان را حبس نکردم^(۲۰).

از لحاظ سیاست‌های مالی هم به معنی این است که با افزایش هزینه دولت از محل پرداخت‌های انتقالی تا حد دارایی‌های خزانه، رشد اقتصاد را

یعنی پرداخت زکات در حد میزان مشخص شده بر افراد واجب است، ولی بیش از آن بسیار مستحب و ممدوح است^(۲۷). نکته حایز اهمیت این است که همانطور که در جای دیگر به آن پرداخته شد^(۲۸)، نرخ زکات نه آن نرخ یک‌چهلیم، یا یک‌دهم، یا یک‌پنجم است، بلکه نرخ زکات را اولی‌الامر، یعنی کسی که به مصداق آیه شریفه یا اِيْهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَطِيعُوا اللّٰهَ وَ اَطِيعُوا الرَّسُوْلَ وَ اَوَّلِيْ الْاَمْرِ مِنْكُمْ^(۲۹) صاحب اذن معین از معصوم (ع) است، می‌تواند تعریف و تصریح نماید. بر این اساس، با افزایش درآمد در اثر افزایش نرخ زکات، مسلماً موارد هزینه‌ای می‌تواند در این بخش، یعنی آموزش بیش از آموزش اولیه نیز با هزینه‌های دولت اسلام تحقق یابد.

آموزش علوم دینی نباید از محل هزینه‌های دولت اسلام تامین شود. این موضوع خیلی بحث‌انگیز است، ولی بررسی فقه اسلام نشان می‌دهد که هیچ‌گونه مدرکی دال بر جواز هزینه برای آموزش علوم دینی وجود ندارد. هیچ خبری یا روایتی یا حدیثی یا حتی قولی ضعیف نیز در این باره مشاهده نشده است که بتوان از محل بودجه بیت‌المال برای آموزش طلاب و جوهی را تخصیص داد. این موضوع شاید از این دیدگاه قابل بررسی باشد که اگر تحصیل علوم دینی واجب است، پس همه مسلمانان باید آن را فراگیرند و در امور واجب به این شکل صرف هزینه بی‌معناست، مثل این که بگوییم برای این که مسلمانان نماز بخوانند، هزینه نماییم. برای گزاره اخیر نیز مستندی نمی‌توان احصا نمود. اگر هم تحصیل علوم دینی واجب نیست، صرف هزینه به طریق اولی در امری که ضرورت ندارد، بیهوده است.

آموزش علوم و فنون نظامی در امور اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. در این باب هرگونه توانایی مالی در جهت تجهیز منابع برای جنگ صحیح می‌باشد. در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ اَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّٰهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ اٰخِرِيْنَ مَنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْقُتُوْنَ مِنْ شَيْءٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يُوْفِ اِلَيْكُمْ وَ اَنْتُمْ لَا تَظْلَمُوْنَ^(۳۰)». اهمیت آموزش فنون نظامی تا آن حد است که با این که قمار و شرط‌بندی در اسلام حرام است، ولی برای تحریص جوانان به آموزش فنون نظامی، شرط‌بندی در رقابت برای تیراندازی و شنا در فقه اسلام جایز شمرده شده است. لذا می‌توان گفت که صرف هزینه در این جهت کاملاً مجاز است و

محدودیتی در این باب ملاحظه نمی‌شود.

آموزش تربیت بدنی هم اگر در چارچوب بند قبل، یعنی جهات نظامی باشد، مورد پذیرش است و می‌توان در این باب هزینه بیت‌المال را به آن تخصیص داد. در غیر این صورت، مجوزی برای این امر در فقه مشاهده نشده است.

زیر نویس‌ها

(۱) بیدآباد، بیژن و عبدالرضا هرسینی / ۱۳۸۳ / مالیه در اسلام.

2) Corporate Governance.

(۳) از جمله استانداردهای حاکمیت شرکت در ماه آگوست ۲۰۰۴ در سازمان OECD, Organization for Economic Cooperation and Development) and Development) به تصویب رسید. استانداردهای متنوع حاکمیت شرکت، اعم از دولتی یا غیردولتی، مالی یا غیرمالی، اسلامی یا غیراسلامی نیز در سال‌های اخیر مطرح شده‌اند:

Corporate Governance: A Survey of OECD Countries, OECD ۲۰۰۴.

Experiences from the Regional Corporate Governance Roundtables, <http://www.oecd.org/daf/corporate-affairs/>.

OECD Guidelines for Multinational Enterprises, <http://www.oecd.org/daf/investment/guidelines>.

IOSCO Principles of Auditor Oversight, <http://www.iosco.org/pubdocs/pdf/IOSCOPD134.pdf>.

http://www.oecd.org/publications/Pol_brief

(۴) بیدآباد، بیژن / ۱۳۸۴ / مبانی عرفانی روابط بین‌الملل در اسلام، حقوق بین‌الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی در اسلام از دیدگاه حکمت.

(۵) سوره بقره، آیه ۱۷۳ و سوره نحل، آیه ۱۱۵: پس کسی که ناچار شود، هرگاه بی‌میلی جوید و از حد نگذارد، گناهی بر او نیست که خداوند آمرزنده و بخشنده است. مشابه این آیه در سوره انعام، آیه ۱۴۵ نیز نازل شده است.

(۶) سوره مائده، آیه ۳: پس کسی که ناچار در محصه ماند، بی‌آن که قصد گناه داشته باشد، پس خداوند آمرزنده و بخشنده است.

(۷) سوره انعام، آیه ۱۱۹: پس به تحقیق به تفصیل چیزهایی را که بر شما حرام شده است، بیان کرده است، مگر آنگاه که ناچار گردید.

(۸) نگاه کنید به گرجی، ابوالقاسم / ۱۳۸۰ / آیات‌الاحکام (حقوقی و جزایی) / نشر میزان / صفحات ۶۰-۵۷.

(۹) الکافی / جلد ۵ / صفحات ۷۴-۵.

(۱۰) بحارالانوار / ۴۱ / ۱۱۶ / باب ۱۰۷ / جوامع مکارم اخلاقه و آداب. و بحارالانوار ۶۷، ۳۲۱ / باب ۵۸ /

الزهوددرجاته... / ص ۹.

(۱۱) بحارالانوار / جلد ۴۲ / صفحه ۱۱۸.

(۱۲) بحارالانوار / ۳۲، ۳۶۱ / باب ۱۰ / باب خروجه صلوات‌الله علیه. همچنین: نهج‌البلاغه / ترجمه جعفر شهیدی / ۱۳۷۸ / انتشارات علمی و فرهنگی / چاپ پانزدهم / صفحه ۲۷۴ / نامه‌ها.

(۱۳) مال خدا را منتسبان به حکومت عثمان چنان می‌خورند که گویی شترانی وارد علفزار بهاری شده‌اند. بحارالانوار / ۲۹، ۴۹۷، ۱۵ / باب شکایة امیرالمؤمنین...

(۱۴) فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر / روابط عمومی و ارشاد وزارت امور اقتصادی و دارایی / زمستان ۱۳۷۱ / صفحات ۳۹-۳۸.

(۱۵) بحارالانوار / ۲۹، ۶۱۲ / بیان... ص ۶۰۸.

(۱۶) این موضوع در ارتباط با خلافت حکومتی حضرت است و ربطی به خلافت معنوی و ولایت کلیه حضرت از لحاظ دینی ندارد.

(۱۷) جواهرالکلام / جلد ۲۱ / صفحات ۱۵۰-۱۴۷.

(۱۸) وسائل‌الشیعه / جلد ۱۵ / صفحات ۱۰۵، ۳۹۱ / بَابُ التَّسْوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ فِي قِسْمَةِ ثَبَتِ الْمَالِ وَالْغَنِيْمَةِ ۲۰۰۷۸.

(۱۹) وسائل‌الشیعه / جلد ۱۵ / صفحات ۱۰۸، ۴۰ /

بَابُ تَعْجِيلِ قِسْمَةِ الْمَالِ عَلَى مُسْتَحِقِّهِ / ۲۰۰۸۳.

(۲۰) وسائل‌الشیعه / جلد ۱۵ / صفحه ۱۰۸ / بَابُ تَعْجِيلِ قِسْمَةِ الْمَالِ عَلَى مُسْتَحِقِّهِ / ۲۰۰۸۵.

21) General Theory of Interest, Money and Employment / John Maynard Keynes / ترجمه شده به فارسی / موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.

(۲۲) کنانی / الترتیب الاداریه / دارالارقم / بیروت /

لبنان / صفحه ۵۶.

(۲۳) سوره عنکبوت / آیه ۴۸: تو قبل از این نه خواندن بلد بودی و نه با دست‌هایت خطی نوشته بودی.

(۲۴) علم به زیاد درس خواندن و درس گرفتن نیست، بلکه نوری است که خدا در دل هر کس که بخواهد، نفوذ می‌دهد. بحارالانوار / ۱ / ۲۲۴ / باب ۷ / آداب طلب‌العلم و احکامه... ۱۷.

(۲۵) بحارالانوار / ۴۱، ۴۳ / باب ۱۰۲ / سخاوت و ایفاقه و ایثاره...

(۲۶) آیتی، محمدابراهیم / ۱۳۵۹ / تاریخ پیامبر اسلام / به سعی و اهتمام ابوالقاسم گرجی / دانشگاه تهران / صفحه ۲۸۲.

(۲۷) بیدآباد، بیژن و هرسینی، عبدالرضا / ۱۳۸۳ / نرخ و پایه مالیاتی در مالیه اسلامی.

(۲۸) همان.

(۲۹) سوره نسا / آیه ۵۹: ای کسانی که ایمان دارید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و صاحبان امر از میان خودتان را.

(۳۰) سوره انفال / آیه ۶۰: و در برابر آنها تا می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، بترسانید و آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید، به تمامی به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نمی‌شود.